

فرہنگ فارسی ناب

(آ-الف)

گردآورنا: محمود عربی

عربی، محمود، ۱۳۴۲ -	:	عنوان و نام پدیدآور
فرهنگ فارسی ناب (آ-الف) گردآورنده محمود عربی.	:	مشخصات نشر
تهران: هیات، ۱۳۹۶.	:	مشخصات ظاهری
ص: ۵۶۴؛ ۵/۱۴×۵/۲۱ س.م.	:	شابک
۹۷۸-۹۶۴-۵۹۰۰-۵۰-۰	:	وضعیت فهرست نویسی
فیپا	:	موضوع
فارسی — واژه نامه ها	:	موضوع ۶
Persian language- Dictionaries	:	بندی کنگره
PIR۲۹۵۴/ع۴ف۴ ۱۳۹۶	:	رده بندی د.
۳۴۶	:	شماره ۲ شناسی
۴۷۶۹۲۲۵	:	

❖ نام کتاب: فرهنگ فارسی ناب / حروف آ-الف)
❖ گردآورنده: محمود عربی
❖ ناشر: انتشارات هیات
❖ سال و نوبت چاپ: چاپ اول ۳۹۶
❖ قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان
❖ شمارگان: ۵۰۰ جلد
❖ شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۹۰۰-۵۰-۰
❖ مرکز پخش: میدان انقلاب - تالار بزرگ کتاب - کتابفر - سه راه رکتاب
❖ تلفن: ۰۹۳۸۱۴۸۳۳۲۴ و ۰۹۱۲۹۳۴۹۲۰۷ و ۰۹۲۶۱۹۶۷۱۲
❖ کلیه حقوق مادی و معنوی برای مولف محفوظ می باشد.

پیش گفتار

بارها در هنگام خواندن نسل‌های گوناگون به واژه‌هایی برخورد می‌کردم که چم (معنی) آن برای من بسی سخت و دشوار بود. برای دریافت چم درست آن به دنبال فرهنگ‌ها رفته‌ام. بهره‌برداری موده، ولی چم یک واژه فارسی به زبان تازی و دیگر زبان بیگانه‌ها برده شده بود، و من که آویژه و دلباخته زبان پارسی بوده و هستم، مرا خشن و شادمان نیکرد، این اندیشه درهستی من پیدا شد که دامنه دانش در روزگار ما اندازه‌های گسترش یافته که میتوان با بهره‌برداری از آن نخستین نیاز فرهنگی را برپا داشت، نخستین نیاز هر زبانی فرهنگ واژه هالست. برای زبان فارسی در گوشه و کجایان، بسیاری فرهنگ‌های واژه بویژه در هندوستان نوشته شده، زیرا که بیش از صد سال زبان پارسی زبان همه مردم هندوستان، زبان بازرگانی و دادوستد و نیز زبان اداری آن کشور بوده است و زبان فارسی یگانه زبانی میان توده‌های گوناگون آن سرزمین بوده که زبان یکدیگر را نمی‌دانسته اند مورد بهره‌برداری قرار گرفته و چاه مردم که زبان پارسی زبان مادری آنها نبوده است، نیازمند به نسل‌های وایانو‌هایی بودند و در هندوستان آماده و بهره‌برداری می‌گردید. و پس از آن در ایران آغاز به آماده نمودن فرهنگ‌های گوناگون مانند فرهنگ عمید، فرهنگ دهخدا، فرهنگ معین که دارای ارزشی ویژه بوده فراهم گردید. اکنون از آنان سیاست‌گذاری ژرفی انجام داد، این فرهنگ‌ها برآستی از همه فرهنگ‌هایی که

گذشتگان آماده و فراهم نموده بودند بازارش تر هستند. تاکنون چنین فرهنگی فراگیر و همه سویه و همه رویه فراهم نشده و باین زودی هانیز آماده نمیگردد. درود بر همه آنان و ماندگار باد نامشان.

انگیزه من از فراهم آوردن فرهنگ پارسی این بوده که چم (معنی) آن تنها از واژه های پارسی بهره برداری گردد. زیرا که همه فرهنگ های موجود که با واژه های تازی و دیگر بیگانگان آمیخته است و جدا نمودن آن، برای بسیاری مردمان دشوار بود، و نمیدانستند این واژه های بکار برده شده تازی هستند یا پارسی، برای نمونه واژه آشوب یک واژه پارسی بوده که چم آن فتنه که یک واژه تازی می باشد نوشته شده است.

در این فرهنگ آشوبش شده است که چم واژه هانتها به پارسی نوشته شود و بکار این دیوار واژه ها خودداری شده است، همچنان که آگاهی داریم میهن گمان این باموردبورش و تاخت و تازیونانیان، تازیان و مغولان بی دانش و نادان بیابان گردیده گرفته، همه هستی این کشور را چپاول و غارت نموده و کتابخانه هارا به آتش کشیده و بسیاری از گنجینه های گران سنگ و گرانبهای فرهنگ و زبان و خط این کشور را از میان برده و مردمان را از گذشته آنها جدا و دور نموده اند.

اما کسانی هم بوده اند که با همه سعی و دود در زنده و جاوید نگه داشتن زبان پارسی، فرهنگ و آیین های این سرزمین از جان خود نیز دریغ ننموده و کوشیده اند تا بدین جا که استوار و پاینده و پایدار بماند نامشان و یاد این گرامی باد.

واژه های پارسی بجامانده از گذشتگان، و فرهنگ ارزنده مان از چپاول و غارت در پناه نبوده اند و بسیاری از آنها فراموش شده و جای خود را به واژه های گونان بیگانگان و بیشتر از همه به تازیان ددمنش و بیابان گرد داده اند. به کاربردن آنها که با ساخت و زبان ما هم آهنگی ندارند، ولی در زبان خود برای آنها واژه های شایسته و بازارش تر و رساتر وجود دارد. پس چه بهتر کوشش شود واژه های پارسی به بهره برداری شود. واژه های زیبا و ساده که یادگیری آن برای همه آسان است.

باید کوشش شود از نوشته ها و نسل های موجود گرانبها و بازارش کاوش نمود، و بهترین واژه ها را پدیدانموده و آنها را زنده نگه داشته شود، و زبان پارسی

■ فرهنگ فارسی ناب

راپربارتر و گسترده تر شود، هرچه واژه های بیشتری داشته باشیم، زبان توانا تر و بازگو کردن و دریافت آن آسان تر خواهد بود. و همچنین میتوانیم واژه هایی از بیگانگان به کشور میسر و برابر سازی آن واژه ها را پیدا و بکاربرد. و پیشرفت واژه های رسیده از دیگران را بگیریم و نگذاریم زبان ما لوده گردد. بنابراین آماج و آرمای ما این است که از همه واژه های موجود در نوشته ها از آن بهره برداری نموده، ولی چم آن باید به واژه های پارسی نوشته شود، و هیچ واژه بیگانه در آن ستون نوشته نشده باشد و از نوشتن آنها خودداری گردد. مگر اینکه برابری آن واژه یافت شود.

فارسی یک آریز، متین و با ارزش ترین زبانهای ایرانی است که امروز بدان سخن گفته می شود. در میان زبانهای ایرانی، فارسی یگانه زبانی است که در خشکس (قاه) آسوده ارزش بسیار بالا دست یافته است که هیچ یک از زبانهای دیگر به آن اندازه نرسیده است.

هم اکنون زبان فارسی زبان رسمی سه کشور ایران، افغانستان و تاجیکستان است، زبان پارسی زبانی است زندگی و توانمند با پیشینه ای درخشان و چند هزار ساله، که فرهنگ گرانمایه و برمان و جهانی را پستوانه خویش دارد. زبانی چنین، به آسانی وزودی، نمیزند بمیرد، برگ آن نیز بی هیچ گمان، آسیبی سست و فاجعه ای فرهنگی نخواهد زد که هر فرهیخته ای فرهنگ آشنا و فرهنگ دوست را به سوگ در خواهند نهاد. و خشم نهفته اش را بر پارسی زبانان که این گنجینه گران ارج و بی مانند را پاس داشته اند و از مرگ و تبااهی نرهاییده اند، بسزایر خواهند انگیزت.

زبانهای باستانی در ایران زمین

پیش از آنکه آریایی ها نام خود را بر این سرزمین بنهند، در بخش هایی به ختم و نیمروز یا ختری ایران کنونی گروه هایی زندگی میکردند که هر یک از آنها سده ها پیش از ورود آریایی، تمدن و فرهنگی ویژه و درخشان ایجاد کرده بودند، زبان و فرهنگ ویژه به خود داشتند. بنابراین پیکره انسانی در ایران باستان دوتیره، دیگر آریایی باشندگان پیشین، و آریایی های کوچنده (مهاجر) تشکیل میدادند.

الف-دیگر (غیر) آریایی ها

دیگر آریایی ها که فراگیرنده (شامل) سومری، اکدی ها، بابلی و آشوری، آرامی ها و سریانی هایی هستند که در باختر ایران و خاور ترکیه کنونی و در بخش میان رودان (بین النهرین) زندگی میکردند، پیش از آنکه به بررسی دستاوردها و تلاش های ایران باستان بپردازیم، بایسته است نگاه کوتاهی به گروه اوزبانی رایج میان مردمان دیگر آریایی ها و نقش ایرانیان در آن به ترم روشن

۱- زبان باستانی سومری ها

زبان سومری بهرین زبان نوشته شده گونه بشر است. سومری ها از زمانهای دور در جلگه بین دو رود دجله و فرات و شاخسار (خلیج) فارس جای گرفته بودند، آنان از ادبیاتی به هیچ یک از مردمان همسایه خود همانندی (شباهت) نداشتند.

خط میخی از پدیدآوری اختراعاتی (های) سومریان است. از نخستین نوشته های پیوند به سومریان ۳۵۰۰ سال پیش از میلاد است. زبان و فرهنگ سومری ها با فرهنگ و زبان هیچ گروهی به تنهایی یگرسنگی و خویشاوندی ندارد. سنگ نبشته ها و لوحه های گلی فراوانی به دست آمده که به زبان سومری نگاشته شده است، دستگاه عدد شماری سومریان تاسده هائز گروه های مردم (ملت ها) شهر نشین (متمدن) جهان، در ریاضیات بکاره رفت. هنوز هم آثاری از این دستگاه در جهان مانده است و آنها بودند که شباهت روز به ۲۴ ساعت و هر ساعت را به ۶۰ دقیقه و هر دقیقه را به ۶۰ ثانیه و همچنین ۱۰۰۰ سال را به ۳۶۰ درجه از یادگارهای همان دستگاه ریاضی سومری ها است.

۲- زبان باستانی ایلامی ها

از آغاز هزاره سوم تا میانه های هزاره نخستین پیش از میلاد، امپراتوری ایلام در سه دوره:

دوره نخستین (۱۵۵۰-۱۸۰۰ پ م)، دوره میانه (۱۱۰۰-۱۴۵۰ پ م) و دوره نوین (۵۰۰-۷۴۳ پ م)، بر بخش گسترده ای از بخش های باختری و نیمروزی

سرزمین امروزی ایران شامل خوزستان و فارس و کرمان فرمانروایی داشت. از زمان آغازین پیشینه ایلام سندی دردست نیست، پژوهش های انجام شده وبه دست آمده گویای این است که ایلامی هازبان جداسری (مستقل) از گونه زبانهای پیوندی بوده است.

هنگامی که درسه هزارسال پیش از میلادسومری ها از خط تصویری برای شماررسی های خویش بهره برداری کردند این پدیدآوری موردتوجه ایلامی ها قرار گرفت. خط ایلامی هادرآغازمانند خط سومری هاهم تصویری بود. اما هفت آهسته آهسته به ریخت نویسه (حرف) درآمده امروز پنج و پنج نشانه از این خط بخبررو. سنگ نوشته هاباقی مانده است. میتوان گفت که زبان ایلامی یکی از زبانهای رسمی پادشاهان هخامنشی بود وکتیبه هابه سه زبان، فارسی باستان، ایلامی و اکدی نوشته میشد. درکاوش های تخت جمشید نزدیک سی هزارلوحه سالبرساخته به خط و زبان ایلامی دوره هخامنشی یافت شده که ازلوحه های مراند شده چنین برمی آید که بیشتراسناد خزانه داری وحواله دستمزدکار برای ساختمان تخت جمشید باشد.

ب- زبانها و گویش های ایرانی پس از ورود آریایی ها

۱- زبانهای ایرانی-دسته ای از زبانهای «هند اروپایی» هستند که باهم پیوند نزدیکی دارند و پایه آنها به زبان یکه (واحد) که بازمانده ترین هندیان نزدیکی بسیار داشته می پیوندند. نام هندواروپایی به گروهی از زبانهای هم ریشه گفته میشود که امروز از هندوستان تا آمریکا گسترده است و در استرالیا و بخشی از آفریقا نیز از آن بهره برداری میگردد.

۲- زبان هندواروپایی- که گاه زبان «آریایی» نیز نامیده میشود، زبانی است که میان نیاکان ایرانیان و هندیان پیشین هتبا زبده، و چنانکه از نامش بدست می آید دوشاخه بنیادی دارند، زبانهای هندی و زبانهای ایرانی.

زبانهای ایرانی در سرزمین گسترده ای که از نیمروز (جنوب) به شاخه (خلیج) فارس و دریای عمان و از باختر به میان رودان (بین النهرین)، عراق و ازمنستان و از شمال به کوههای قفقاز و بیابانهای آسیای مرکزی در خاور و سراسر افغانستان

وبخشی از فلوات پامیر را تادهانه سندفرا گرفته است.
 زبانها و گویش های ایرانی را میتوان به سه دسته بخش کرد:
 زبانهای ایرانی کهن، زبانهای ایرانی میانه، زبانهای ایرانی کنونی
 زبانهای ایرانی کهن و میانه امروز دیگر نیستند و آنها را به شوندوانگیزه واژه هایی که
 از آنها بجا مانده است می شناسیم.

۱- زبان های ایرانی کهن دارای زبان های زیر است:

الف- سکاکی

زبان سکاکی یکی دیگر از زبانهای رایج در دوره باستان در ایران زمین است. از این
 زبان جز نام های ریشه که در کتیبه های آشوری یا نوشته های یونانی آمده
 است، چیزی در دست نداریم.
 سکاها گروهی ایرانی بودند که بخشی از آنها در خاور دریای کاسپین و شماری
 در باختران و در دشت های شمالی دریای سیاه باشند بودند.
 هروقت می نویسند که هخامنش شاه ماباگر یکی از جنگجویان سکایی که به
 او پناه داده شده بودند آنها را گرامی داشت.

ب- مادی

زبان مادی ویژه مردمان باختر و مرکز ایران بوده است. این زبان پس از سال ۸۲۵
 پ م در نوشته های آشور از مردم «ماد» نام برده است. واژه های از این زبان
 نیز در زبان یونانی و همچنین واژه هایی که در نوشته های شاهنشاهان
 هخامنشی که جانشین شاهان مادی بوده اند میتوان یافت.

پ- فارسی باستان

زبان فارسی باستان، زبانی است که در سنگ نبشته های شاهان هخامنشی
 در سالهای (۳۳۱-۵۵۹ پ م) بکار رفته، از این شاهان سنگ نبشته های
 بیشماری بجای مانده است، کهن ترین آن وابسته به آریامنه (Ariya
 Ramna) پدربنیای داریوش بزرگ (۵۱۰-۶۱۰ پ م) و تازه ترین آنها

از اردشیر (۳۳۸-۳۵۸ پ م) است.

بزرگ ترین اثر این زبان سنگ نبشته بسیار بارزش دارویش بزرگ بر سنگ بیستون، میان همدان و کرمانشاه است که در آن داریوش بازنمود چگونگی به شاهی رسیدن خود و جنگ ها و پیروزی های خویش و نام کشورهای که بر آنها فرمانروا بوده است سخن میگوید. هم هنایش های که از زبان فارسی باستان در دست است به دیوی (خط) میخی نوشته شده است. سنگ نبشته داریوش که بیستون کنده شده به سه زبان، فارسی باستان، ایلامی و اکدی نوشته شده است. و در پنج ستون کنده شده است، ستون نخست ۹۶، ستون دوم ۹۱، ستون سوم ۹۲ و ستون چهارم ۹۳ و ستون پنجم ۳۶ رده دارد.

ث- زبان اوستایی

زبان اوستایی یکی از زبان های ایرانی است و در ایران بوده است ولی بدرستی روشن نیست کدام بخش، و نیز روشن نیست که این زبان در چه زمان از بهره برداری بازمانده است. تنهامانده و میسی که از این زبان در دست است «اوستا» نسک (کتاب) اشو (مقدس) زرتشتیان است سرودهای خود زرتشت (گاناها) که کهن ترین بخش اوستا است بازگو کننده ارگوش اوستا است.

۴- زبانهای ایرانی میانه

زبانهای ایرانی میانه، میان زبانهای کهن و زبانهای نوین ایرانی اند، دشوار است میتوان گفت که زبان های میانه از چه زمانی آغاز می شود. از سنگ نبشته های شاهان هخامنشی میتوان دریافت که این زبان پارسی میانه را به پایان دوره هخامنشی پیوند داشت.

زبانهای ایرانی میانه بجامانده:

الف- پارتی (پهلوی اشکانی) - زبان پارتی زبان دودمان پارت از خانواده های شمال خاوری ایران است که اشکانیان بدان سخن میگفتند. از این زبان دودسته مانده است: یکی یادبود که به دیوی (خط) پارتی که از خط آرامی بهره برداری نموده است نوشته شده و دیگر یادبودمانوی است که از خط سریانی

گرفته شده است.

بخش بزرگ گونه نخست سنگ نبشته های شاهان پیشین ساسانی است که افزون بر زبان فارسی میا نه بزبان پارتی هم نوشته شده (وگاه بیونانی) کهن ترین این گونه یادبودها و نشانه هایی که در اورامان کردستان بدست آمده (سنگ نبشته کار جنگال) نزدیک بیرجند و ابسته بدوره ساسانی است. از برارزش ترین این نشانه ها بازگوکننده پارتی سنگ نبشته شاپور نخست «ردیوار» «کعبه زرتشت» (نقش رستم) و سنگ نبشته نرسی در پایکولی و سنگ نبشته شاپور نخست در حاجی آباد پارس است.

سفالهایی که در کندوکا و هادر «نسا» شهر کهن پارتی که گویا گورهای شاهانی اشکانی، ازان نیا د شده بدست آمده بخط آرامی گمان می رفته ولی اکنون همه بار دارند به این نوشته ها پارتی است نه آرامی.

گذشته از این یادبودها و نشانه هایی که یادشد. واژه های پارتی که در زبان ارمنی نیز بجامانده است.

ب- مانوی- یادبودها و نشانه های پارتی که در کندوکا و آسیای مرکزی (تورfan) بدست آمده بود. این یادبودها و نشانه ها خط مانویان بوده و از خط سریانی گرفته شده است. این یادبودها رامینرل بدو بخش بخش کرد: یکی آنهایی که درسده های سوم و چهارم میلادی نوشته شده زبان پارتی پرمایه (اصیل) است. دیگر یادبودهایی که پس از سده ششم میلادی نوشته شده و شاید پس از واگذاشتن زبان پارتی برای بجا آوردن آیین و کیش بوجود آمده باشد (هنوز نهایی که برآستی بتوان میان سده چهارم و ششم میلادی و بینود دانست، بدست نیامده). از میان رفتن زبان پارتی رامیتوان پس از سده چهارم میلادی یعنی پس از جایگیر شدن سپاهیان ساسانی برای رویارویی با ساسانی و گوههای (اقوام) شمالی وابسته دانست.

پ- پارسی میانه

از این زبان که ریخت میانه پارسی باستانی و پارسی کنونی است و زبان دستوری (رسمی) ایران در دوره ساسانیان بوده. و یادبودهای گوناگون بجامانده

است که آنها را میتوان بچند دسته بخش کرد.

۱- سنگ نبشته های دوره ساسانی بوده برگرفته از خط آرامی، ولی جدا از خط پارسی، نوشته شده. با ارزش ترین سنگ نبشته زبان پهلوی کتیبه شاپور نخست در کعبه زرتشت است.

۲- کتابهای پهلوی که بیشتر آنها بازمانده زرتشتی است و خط این یادبود که دنباله خط سنگ نبشته های پهلوی در ریخت نوشتاری آن است.

۳- واژه های پهلوی که بر سکه و مهر و نگین و خنثور و مانند آنها بجا مانده است.

۴- یادبود های (آثار) مانوی که بخط مانوی نوشته شده و هم از پیدایش تازی آسیای مرکزی است. هم چنین باید سنگ نبشته های نگارگری شده راکه در کتیبه در یافت شده است.

یادبود نشان مانوی پهلوی بلند بالا نوشته شده و جزء نوشتاری پهلوی پیش از اسلام است و از میان همه بن نوشته های ویژه زرتشت است و بیشترین آنها در سده سوم هجری نوشته شده است. هر چند ریشه برخی از آنها بدوره ساسانی میرسد، با ارزش ترین سنگ زبان پهلوی سنگ نبشته شاپور نخست در کعبه زرتشت (نقش رستم) است. از سنگ نبشته های دیگر میتوان سنگ نبشته (کریر) موبد ساسانی را در نقش رجب و سنگ نبشته نرسی را در یاکولی نام برد. از یادبود زبان پهلوی نوشته ها و سنگ هایی که واژه های زرتشتی است میتوان یافت.

۱- «دینکرد، دینکرت» که با ارزش ترین و بالاترین نسک پهلوی است که اکنون در دست داریم. این نسک در نه پوشینه (جلد) بودا ما آثر بن از نوشته های نه گانه آن دو پوشینه نخست در دست نیست. نام این نسک «رانداس» بود ولی در فرهنگ های پهلوی دینکرت نامیده میشود. همه واژه های این نسک راوست نزدیک ۱۶۹۰۰۰ واژه دانسته است.

۲- بند هشن دومین نسک با ارزش شناخته شده پهلوی است که از آن دو بر نوشته (نسخه) هندی و ایرانی نامبرده شده است. در این نسک درباره آفرینش و آیین ها و کیش های دینی و برخی رخدادهای تاریخی و جغرافیایی سخن رفته است. از بندهشن دوشسته در دست است یکی نوشته به نام

بنددهشن ایرانی پاندهشن بزرگ، ودیگری نوشته کوتاه شناخته شده به بنددهشن هندی است.

۳- دادستان دینیک- این کتاب نزدیک به ۲۸۰۰۰ واژه دارد و یکی از نسک های بزرگ و باارزش پهلویست که در سده نهم میلادی نوشته شده و دارای جستارها و سخن های بسیاری به دستورهای دینی و گفته ها پیوندیان هاست.

۴- ارداویرافنامه یکی از نسک های باارزش مزدیسنان و دارای ۸۸۰۰ واژه است. این نسک درباره یکی از پاکان دین زرتشتی و دیدن بهشت و دوزخ و پاداش ها و دافراهای گوناگون باز نمود داده شده است.

۵- شکند نامک و تاریکی از نسکهای باارزش گفتاری زرتشتیان است که به آهنگ ستوارکن پایه دین زرتشت و در مسیحیت و اسلام نوشته شده است. نویسندگانش سکسران فرخ اورمزد دانان بود که وی در میانه سده نهم میلادی میزیه است.

۶- زات سیرم - این نسک ردیک به ۱۹۰۰۰ واژه دارد و دارای سه بخش است. وست یکی از دانشمندان غربی آن را انگلیسی برگردانده شده است. این کتاب دارای سی و پنج جستار و چهار بخش تقسیم میشود.

۷- شایست نشایست - این نسک نزدیک به ۱۳۷۰۰ واژه دارد و دارای باز نمود درباره آیین دینی و برخی راه ها - آیینی دیگر است.

۸- شترستانهای ایران - باارزش ترین نسک جغرافیای پهلوی و دارای ۸۸۶ واژه است و در آن از زمان ساخت شهرها و زمان هر یک سخن رفته است.

۹- ماد یگان چترنگ یا چترنگ نامه (شطرنج نامه) - نسک کوچکی است در پیداشدن شطرنج و پدید آوردن نردبازرگمهر. این نسک در شاهنامه فردوسی نیز دیده می شود نوشته شده پهلوی و یازند و ج راتای این نوشته بابر گردان انگلیسی آن همراه نوشته «گنج شایگان» و نوشته میربناه «پندنامه بزرگمهر یختگان» و «اندروز خسرو کوتان» بدست پشتون دستور آرام سی سنجانادر ۸۸۵ م چاپ شده است و نوشته پیشین هم در شاهنامه یادبود شناخته شده دارد.

۱۰- ماد یگان گجستکابالیش نزدیک ۱۲۰۰ واژه در بر دارنده گفتگوهایی است که

میان ابابلیش زندیق و آرتور کرن بَغ پسر فرخزاد در پیش مامون خلیفه در سال ۸۲۵ م (۲۱۰ هجری) انجام شده است این کتاب را بارتلمی در سال ۱۸۸۷ چاپ کرده است.

۱۱- آندرز ژان تورپا ت مارسپندان (آذربایدرمهر اسپند) که دارای گفتارهای آریکی از بزرگان و پاگان دین زرتشتی و دارای ۱۷۳۰ واژه است نوشته پهلوی و یازندو برگردان آن به گجراتی و انگلیسی آن در ۱۸۶۹ در بمبئی چاپ شده است.

این چند نسخه را نمونه هایی از نوشته پهلوی که در نخستین سده های هجری بخط ریش مور نوشته شده است یاد کرده ایم و دیگر از آن چندین نسک و نوشته دیگر حواری، خط و گویش پهلوی نوشته شده و خواه از آن خط و گویش به پارسی برگ مانده باشد (یازندموجود است که بیشتر آنها بچاپ رسیده) مانند: دنیان میوه ک - ارد - ستایش سی روزه - ماد یگان پوشت - فریان - اندرز اوسز دانا ک - هن ی - - - - - اما سب ناسگ - ماد یگان ماه فروردین روز خرداد - پند نامه زرتشت - اندرز خسرو ک - ان - جاروی خرسند - اندرز دانا ک مرت - یادگار زریزان و کارنامه اردشیر بابکان و درخت آسوریگ و مانند آنها.

پ- زبان سغدی - این زبان در کشور سغد که در قندوبخارا از کانون های مراکز آن بودند از آن زبان بهره برداری میکردند زبان سغدی زمانی زبان همه کشورهای آسیای مرکزی بشمار میرفت که چینه زبان را آن بهره میگرفتند. آثار و یاد بود زبان سغدی را میتوان از چهار گونه شمرد: بودایی، مانوی، مسیحی، غیر دینی. از این میان هنایش های بودایی با ارج ترو با راست است. ت- زبان خوارزمی - زبان خوارزمی ویژه خوارزم بوده و آن را تا یک سده هشتم هجری از آن بهره میگرفته اند و پس از آن جای خود را به زبان پارسی زرتکی سپرده.

ث- زبان سکائی (ختی) - یکی از زبانهای پارسی میانه است که آبشخور بسیار از آن در دسترسی مامیباشد زبانی که در گذشته در سرزمین کهن ختن در نیمروز خاوری کاشغر بدان سخن میراندند گویش های نزدیک به ختنی ولی با ویژگیهای جداگانه در شمال خاوری رواست، ولی از این زبان یادبودهای

اندکی یافته شده و آنچه هم که هست همگی برگردان نشده است.

ج- زبانهای وگویش های ایرانی کنونی

زبان هاوگویش های ایرانی که امروزاز آن بهره برداری میکنند دارای:

۱- **فارسی نو (دری)** - این زبان بارزش ترین زبانهاوگویش های ایرانی است. آن دنباله فارسی میانه (پهلوی) وپارسی باستان است که از زبان دودمان پارس، سرچشمه میگیرد، و نماینده بارزش دسته زبانهای نیمروزباختری است. پس ازسده سوم وچهارم این زبان راکه پس ازبوجود آمدن دربارهای خاوردر زمان اسلامی از آن بهره برداری کردند و این بنام های گوناگون دری، پارسی دری، پاری، فارسی خوانده اند. این زبان چون زبان درباری واداری یافت، راجع به نامه تر بخش شد و اندک اندک چکامه سرایان و نویسندگان بدین زبان اشعار به چکامه سرایی و نویسندگی کردند چندی نگذشت که استادان بیگمان از آن رودکی و دقیقی و فردوسی و دیگران در سده چهارم پیدا شدند و بدین گویش بدو سرسباید آوردند و نسکها و نوشته های بزرگ به نثر در همین گویش پرداختند و کتاب ترش دادند. و پس از آن که در بخشهای دیگر کشور چکامه سرایان و نویسندگان خواستند بپارسی چکامه و سرود گویند و نسک بنویسند از همین زبان وگویش آماده شده بهره برداری نمودند و با خواندن نسک ها و خنگ که بدان گویش گراهم آمده بود خود را آماده گویندگی بدان گویش پرداختند.

۲- **آسی** - که در بخشی از سرزمینی کوهستانی فققر مکران روایده است و در آن دوگویش بارزش یکی «ایرون» و دیگری «دیورون» میباشد. از شناخت باز نموداد. آس هایاآلالها که بنام آنها بارها در تاریخ بر میخیزیم آنها بازخام درباری خزر باین بخش ها کوچ کرده اند و از این روزبان آنها بازبان ساسانی و خوارزمی پیوند نزدیک دارد. آسی در میان زبان های ایرانی کنونی جایگاه ویژه ای دارد.

۳- **پشتو** - این زبان زبان بخشی از افغانستان و بخشی از باشندگان مرزبان شمالی باختری هندوستان است. هر چند زبان فارسی و تازی در این زبان هنایش یافته، ولی این زبان که امروز در افغانستان بیش از گذشته گرایش مردم

■ فرهنگ فارسی ناب

افغانستان است. پشتوبسیاری از ویژگی های بنیادی زبانهای ایرانی رانگهداشته است و خودگویش های گوناگون مانند: وزیري، آفریدی، پیشاوری، قندهاری، غلزه ای، بنوخی و دیگرگویش ها.

۴- بلوچی - این زبان دربخشهای ازیلوچستان و همچنین دربرخی بخشهای کمونستان از آن بهره میگیرند. دربلوچستان افزون برزبان بلوچی زبان دیگرنام «براهویی» نیز هست که بدان سخن میگویند.

زبان پارسی ازگروه شمالی زبانهای باختری است وبلوچ هالزشمال به نیمه وژکوچ آمده اند، ولی بلوچی بانگیزه نزدیکی بازبانهای خاوری ایرانی برخی ازگروه های آنها را یکاربرده است.

زبان بلوچی گویش های گوناگون دارد که باارزش ترین آنها بلوچی باختری وبلوچی خاوری است که هر یک از آنها بخشهای دیگری نیز دارند، اماروی هم رفته بانگیزه پیوسته گروه های بلوچ بایکدیگر جدایی میان این گویش ها زیادنست.

بلوچی ازبرخی زبانهای دیرباختری مانند پارسی بهره برداری کرده است و بسیاری ازواژه های کهن بااند دژ، سونی در آن بجا مانده است.

۵- کردی: کردی نام ویژه ای یک دسته زبانها وگویش هایی است که درسرزمین کردنشین ترکیه وایران بهر رو رواست. برخی ازاین زبانهاراباید جداسری شمرد، چه جدایی آنها باکردی (کردی باجی) بیش ازآنست که بتوان آنها را باکردی پیوسته دانست دوزبان جداسری (مستقل) ازاین گونه یکی «زازا» یا «ملی» است که یادبود (آثار) آیین (اهل حق) بدان رفته شده ومانندزازا بشاه شمالی دسته باختری پیونددارد.

زبانی کردی ویژه را کرمانجی می نامند که خودشماری ازگویش های آن باشد مانندمکری، سلیمانیه ای، سنندجی، کرمانشاهی، عیدوئی، زندی، بایندی. زبان کردی بادسته شمالی گویش های ایرانی باختری برخی همانندی هایی دارد، واززبانهای باارزش دسته باختری بشمار میرود ودارنده چکامه ها و سروه ها و داستانها و آیین فرهنگی است.